

مربی بهداشت موقع صبحگاه اعلام کرد که به مناسبت روز غذای سالم همه‌ی بچه‌ها فردا با خود صبحانه‌ی سالم همراه داشته باشند. وقتی بچه‌ها سر کلاس آمدند چند دقیقه‌ی اول صحبت‌ها در مورد صبحانه‌ی فردا و اینکه چه کسی چه چیزی می‌خواهد بیاورد بود. خانم معلم که سرکلاس آمد از بچه‌ها دلیل هم همه‌ی آن‌ها را پرسید و موشن گفت: اجازه خانم موضوع صبحانه‌ی فردا است و هر کس می‌خواهد بداند که بقیه فردا چه چیزی را به عنوان صبحانه‌ی سالم می‌آورند؟ خانم معلم گفت: چه خوب! الان زنگ علوم است و ما هم می‌توانیم در مورد این موضوع صحبت کنیم. حالا به نظر شما چه چیزی باید در مورد صبحانه‌ای سالم بدانیم؟ سوالات خودتان را به نوبت پرسید.

یکی از بچه‌ها پرسید: از کجا صبحانه تهیه کنیم؟ یکی گفت: داخل چه ظرفی باید بیاوریم؟ موشن پرسید: چه موادی مقوی‌تر هستند؟ مرجان سؤال کرد: ورزشکاران هم صبحانه‌ی مقوی می‌خورند؟ و مریم پرسید: تزئین هم بکنیم یا ساده بیاوریم؟

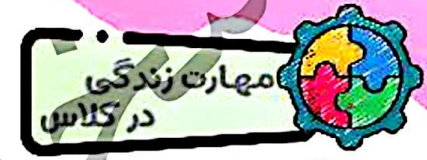




خانم معلم سوالات دانش آموزان را قطع کرد و گفت: بچه‌ها از تمام سوالاتی که تا الان پرسیدید فقط سؤال موشن به موضوع صبحانه‌ای مقوی مربوط بود و بقیه‌ی پرسش‌ها نامرتب بودند و یا حداقل سؤال اصلی محسوب نمی‌شوند. بچه‌ها دقت داشته باشید وقتی می‌خواهیم در مورد موضوعی فکر کنیم باید بتوانیم اطلاعات مرتبط را از اطلاعات غیر مرتبط جدا کنیم. دانستن اینکه صبحانه در چه ظرفی باشد و یا تزئین شود به موضوع سلامت صبحانه ربطی ندارد و بهتر است وقتی ما می‌خواهیم در مورد موضوعی سؤال بپرسیم از کلماتی مانند چه، چگونه، چرا، چه موقع و ... در ابتدای سوالاتمان استفاده کنیم تا به اطلاعات مرتبط‌تری دست پیدا کنیم.

حالا که یاد گرفتید چطور در مورد یک موضوع سؤال بپرسید با دقت به سؤال من فکر کنید و این بار آگاهانه سوالتان را طراحی کنید.





در مورد موضوع قطع کردن درختان سه سؤال مناسب به روشی که یادگرفته‌ای بنویس.

چرا درختان را قطع می‌کنند؟

چگونه و با چه وسیله‌ای درختان را قطع می‌کنند؟

چه موقع درختان را قطع می‌کنند؟

یک موضوع را که دوست داری در مورد آن اطلاعات بیشتری بدست بیاوری را در کادر زیر نقاشی و رنگ‌آمیزی کن.

به عهده دانش آموز



علوی

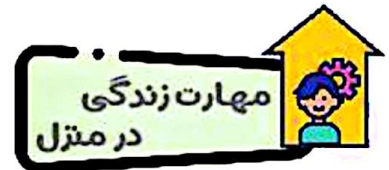
به نظر شما کدامیک از سوالات زیر به موضوع پیدا کردن یک دوست خوب مربوط نیست؟ آن را با علامت ضربدر مشخص کن:

آیا او با دیگران مهربان است؟

چه هدیه‌ای برای جشن تولد من ممکن است برایم بیاورد؟

چقدر جوک بلد است که برایم تعریف کند؟ **گزینه سوم**

چگونه در مشکلات با من برخورد خواهد کرد؟



در مورد نحوه‌ی صحیح سؤال پرسیدن و موضوع مورد علاقه‌ات که در سؤال ۲ نقاشی کردی برای بزرگ‌ترها توضیح بده و با کمک

آن‌ها چند سؤال مرتبط با موضوعت طراحی کن و در زیر بنویس.

به عهده دانش آموز

در هفته‌ی علوم هر کدام از بچه‌ها در گروه‌های رنگی مخصوص به خود قرار می‌گیرند و تمام فعالیت‌ها را به صورت گروهی انجام می‌دهند. مودی هم سرگروه گروه زرد است. وقتی خانم معلم وسایل آماده سازی کاردستی آتشفشان را به هر کدام از گروه‌ها تحویل و توضیح داد که هر گروه باید چه کاری انجام دهد، تأکید کرد که به خلاقانه‌ترین کاردستی، کارت امتیاز بالایی تعلق می‌گیرد.

مودی که انگار جرقه‌ای در ذهنش خورده باشد بدون اینکه به هم گروهی‌های خودش توضیحی بدهد شروع به بریدن مقوایی کرد که خانم معلم داده بود، یکی از هم گروهی‌ها گفت: مودی این شکلی که می‌بری اشتباه است و به شکل کوه در نمی‌آید. مودی جواب داد: خودم می‌دانم، درست است. علی که هم گروهی مودی بود گفت: من یک ایده‌ی جذاب دارم که از کار گروه‌های دیگر بهتر است، اما باز هم مودی توجهی نکرد و گفت: نه! من سرگروه هستم و خودم می‌دانم باید چکار کنم. هر وقت بقیه‌ی بچه‌ها می‌خواستند نظر بدهند دوباره مودی همین جواب را می‌داد تا اینکه خانم معلم اعلام کرد وقت تمام است. مودی که تازه سرش را بالا آورده بود با تعجب دید که سه گروه دیگر کارشان رو به اتمام است و مشغول تزئین کردن کاردستی‌شان هستند اما او هنوز حتی نتوانسته بود کوهش را روی صفحه بچسباند. با دیدن این صحنه مودی از شدت ناراحتی به گریه افتاد. وقتی خانم معلم سر میز گروه زرد آمد و کاردستی نیمه کاره، صورت ناراحت اعضای گروه و گریه‌ی مودی را دید علت را پرسید. علی که خیلی از این وضع عصبانی بود به خانم معلم گفت: اجازه خانم مودی از اول کار تا الان اصلاً به حرف بقیه‌ی بچه‌ها گوش نداد، هیچ کاری را به ما واگذار نکرد و خودش تنهایی انجام داد برای همین وقت کم آورد و کار ما بی کیفیت و ناتمام ماند.

خانم معلم رو به مودی کرد و گفت: پسرم درست است که تو دانش‌آموز شایسته‌ای هستی و بخاطر عملکرد خوبت سرگروه شده‌ای اما فراموش نکن که توجه به نظر دیگران در کار گروهی موجب عملکرد بهتر گروه می‌شود. به‌علاوه یکی از راه‌های رسیدن به فعالیت خلاقانه این است که تمام اعضای یک گروه راه‌حل‌هایی که به ذهنشان می‌رسد را بیان کنند تا با بررسی آن‌ها بتوان به یک راه‌حل جدید دست پیدا کرد.

این بار گروه شما این فرصت را از دست داد اما نگران نباشید. هفته‌ی علوم همین یک روز نیست و گروه شما فرصت جبران موقعیت از دست رفته‌اش را در روزهای دیگر دارد، سعی کنید در پروژه‌های بعد از این تجربه به خوبی استفاده کنید. حالا دست و صورت خود را بشویید و به

کلاس برگردید.





از بغل دستی خود سؤال کن که برای ساخت کاردستی یک درخت چه ایده‌هایی در ذهن دارد؟ دو مورد از نظرات دوستت را در زیر یادداشت کن.

از پدر و مادر خودت سؤال کن و پاسخ بده دختر قشنگم

.....

.....

.....

.....

فرض کنید قرار است برای یکی از دوستانتان به صورت گروهی یک هدیه‌ی تولد تهیه کنید؛ با هم گروهی‌های خود مشورت کنید و پیشنهاد کل اعضای گروه را در مورد اینکه چه چیزی را به عنوان هدیه انتخاب کنید، در زیر یادداشت نمایید.

از پدر و مادر خودت سؤال کن و پاسخ بده دختر قشنگم

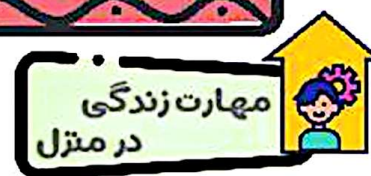
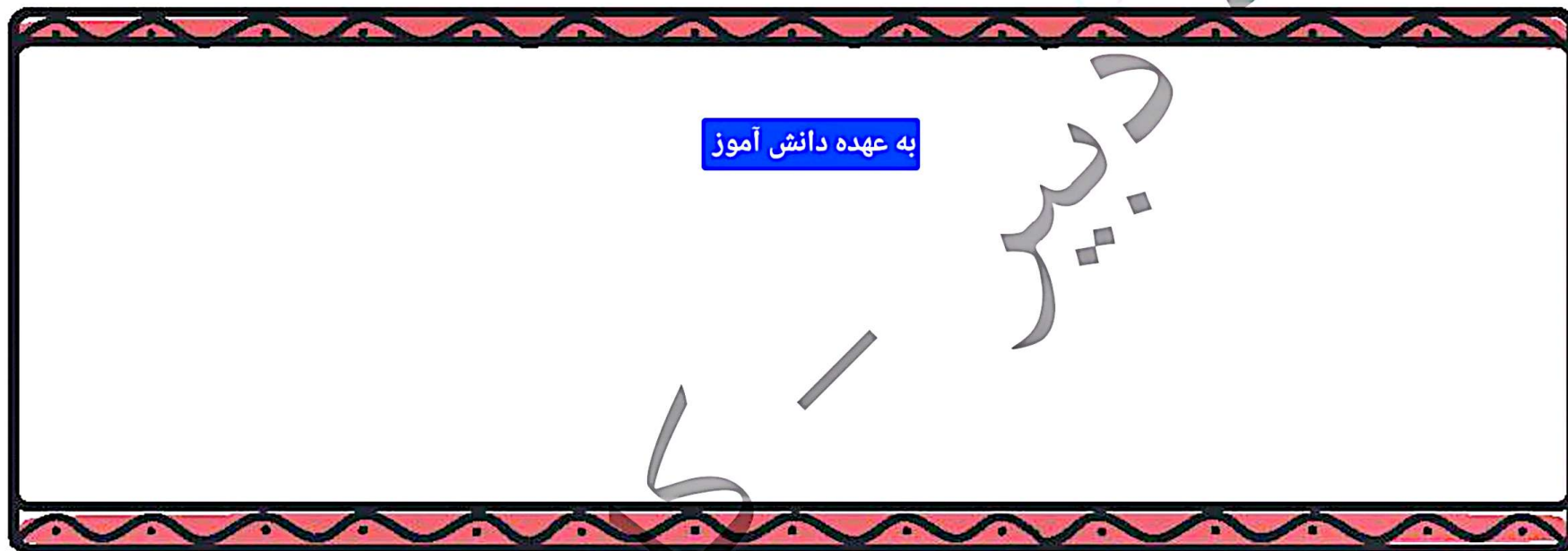
.....

.....

.....

علوی

در کادر زیر تصویر یک خانه‌ی زیبا را نقاشی کن و بعد در مورد رنگ آمیزی آن از نظر دوست کناری ات استفاده کن و نقاشی ات را به سلیقه‌ی او رنگ بزن.



با بزرگ‌ترها در مورد برنامه‌ی آخر هفته‌ی خانواده صحبت کن و سعی کن نظر همه‌ی اعضای خانواده را در این برنامه‌ریزی در نظر بگیری.

مدتی بود که موشن شبها موقع خواب از مادر می‌خواست که چراغ خواب اتاقش را روشن بگذارد. وقتی چند شب گذشت و مادر دید همچنان موشن شبها چراغ را روشن نگه می‌دارد و این کار مودی را موقع خواب ناراحت می‌کند تصمیم گرفت تا با او صحبت کند. موشن به مادر توضیح داد که دوستش مرجان در مدرسه برای همه‌ی بچه‌ها گفته است که سایه‌ی آدم‌ها در شب بزرگ‌تر می‌شود. موشن گفت: خودم یک شب که آمدم به سمت اتاقم دیدم سایه‌ام بسیار بزرگ شده بود و بخاطر همین حرف مرجان را باور کردم و شبها موقع خواب این موضوع مرا نگران می‌کند.

مادر بعد از کمی فکر کرد به موشن یادآوری کرد که امسال در درس علوم در مورد سایه‌ها خوانده‌اند و باید بدانند که با توجه به محل قرارگیری منبع نور و جسم اندازه سایه ممکن است تغییر کند. این یک اتفاق علمی است، اما اینکه همه‌ی سایه‌ها بی دلیل در شب بزرگ‌تر شوند یک مسئله‌ی غیر واقعی است و هرگز اتفاق نخواهد افتاد.

موشن که تازه این درس علوم یادش افتاده و انگار خیالش راحت شده بود پرسید: مادر جان چطور می‌توانم بفهمم که چه چیزهایی واقعی است؟ من که همه چیز را نمی‌دانم!



مادر پاسخ داد: دخترم گاهی ما فقط فکر می‌کنیم بعضی چیزها واقعی هستند ولی در اصل این طور نیست! اینکه هر کس تا اندازه‌ای خیال‌پردازی داشته باشد برای قوه‌ی خلاقیت او مفید است اما مهم است که ما تا چه اندازه خیال‌پردازی کرده و یا اینکه از این ویژگی خودمان درست و به اندازه استفاده کنیم. مثلاً اینکه بخاطر کار خوبی که انجام داده‌ایم خوشحال باشیم و در ذهنمان تصور کنیم که یک فرشته برای این کار به ما یک ستاره هدیه داده است خیلی زیباست اما آیا در واقعیت هم این اتفاق می‌افتد؟



و یا اینکه در خیالات خود به فضا پرواز کنیم و روی ماه بنشینیم می‌تواند تبدیل به یک نقاشی بسیار

زیبا و یا یک داستان خیالی قشنگ شود اما آیا در واقعیت هم این اتفاق خواهد افتاد؟

مطلب مهمی که در اینجا باید یاد بگیریم این است که نباید خیالات را با واقعیت اشتباه بگیریم

و در واقع باید یاد بگیریم در عین اینکه تفکر خلاق داریم اما در زندگی واقعی با خیالات

زندگی نکنیم چون قطعاً به مشکل خواهیم خورد!

حالا چراغ اتاقت را خاموش کن تا مودی راحت‌تر بخواب برود و بیا تا قبل از خواب در

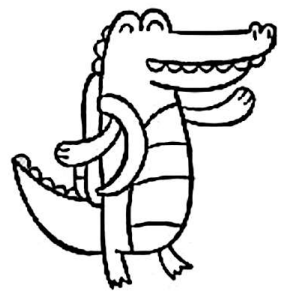
اتاقت با نور چراغ مطالعه کمی سایه بازی کنیم.



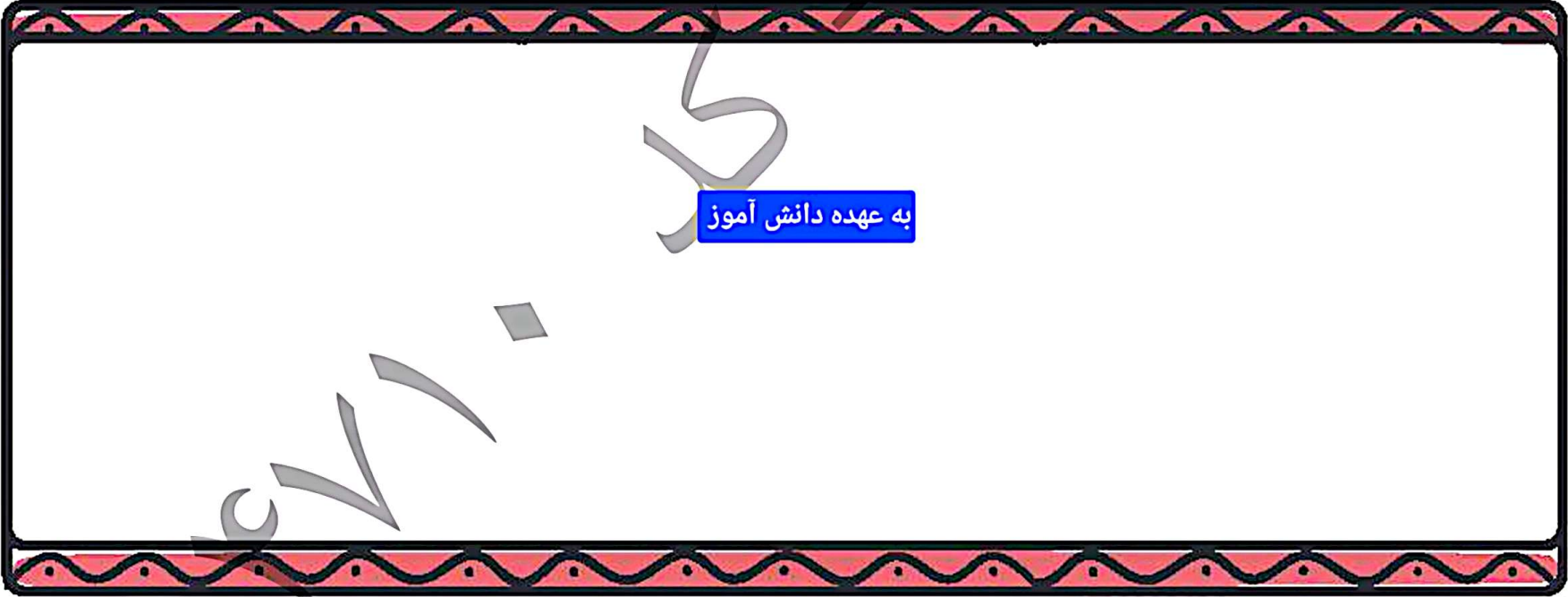


رنگ کن دخترم

تصاویر واقعی را از بین تصاویر زیر انتخاب و رنگ بزن.



در کادر زیر یک تصویر خیالی را نقاشی کن.



به عهده دانش آموز

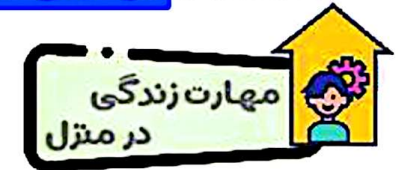
دو جمله‌ی واقعی و دو جمله‌ی خیالی در جای مشخص شده بنویس. پاسخ‌ها برای مثال هست دخترم ، خودت کامل کن .

واقعی: ...هیولا وجود ندارد

در تاریکی چیز ترسناکی وجود ندارد

خیالی: ...در تاریکی چیزهای ترسناک وجود دارد

توی تنهایی هیولا من رو می‌خورد



به کمک بزرگ‌ترها درکادر زیر یک باغ خیالی و یک باغ واقعی را بکش و رنگ آمیزی کن. به نظر شما این دو باغ با هم چه تفاوت‌هایی دارند؟

